



درباره تفسیر نامه ای شیعی و پارسی:
«دقائق التأویل و حقائق التّنزیل»

جويا جهانبخش



به گواهی اسناد موجود، زبان پارسی نخستین زبانی بود که توفیق یافت تا در ترجمه قرآن کریم به کار گرفته شود و این از بختیاری پارسی زبانان بود که پس از تازی گویان - که متن گرامی قرآن، برترین شاهکار هنری و ادبی در زبان ایشان بشمار می رود - توانستند با معانی بلند این کتاب آسمانی آشنا گردند.

در گنجینه ناپدید کرانه نگارش های پارسی، ترجمه ها و تفسیرهای کهنه و نوری فراوانی یافت می شود که نشان دهنده رویکرد خامه بر کفان پارسی دان به گسترش دانش های قرآنی در میان پارسی زبانان است.

از جمله این نگارش های قرآن پژوهی، یکی «دقائق التأویل و حقائق التّنزیل»، تفسیر نامه ای است گرانسنگ، نگاشته دانشی مردی شیعه.

مصنّف «دقائق التأویل»، ابوالمکارم محمودبن محمّد حسنی واعظ از دانشمندان شیعی سده هفتم هجری می باشد که در فارسی می زیسته است. فرزند وی نیز که به ظاهر از علما بوده، ابوالمفاخر علی نام داشته است و تنها دستنوشته «بلا بل القلاقل» (اثری دیگر از ابوالمکارم، محفوظ در کتابخانه مرحوم آیه الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی

نجفی-رضوان الله تعالی علیه-) که عکسی از آن نزد حقییر موجودست، به خط او نگاشته آمده است.^۱

مع الأسف درباره ابوالمکارم حسنی آگاهی های زیادی نداریم. از آثار وی غیر از «دقائق التّأویل» - که در این گفتار به اجمال بدان می پردازیم- یکی، «بلابل القلاقل» است که در سطور پیشین نامش آمد.

مصنّف «دقائق التّأویل» و «بلابل القلاقل»، یک مجموعه رسایل کلامی نیز دارد که نسخه ای از آن در کتابخانه ملی ملک هست - و احتمالاً یگانه دستنوشته در دسترس از این کتاب همین است.

استاد محمدتقی دانش پژوه در فهرستواره ای که برای کتابهای فقهی فارسی تألیف کرده اند^۲، از آن دو تفسیر و این رسایل کلامی سخن گفته اند.

از «دقائق التّأویل وحقائق التّنزیل» که موضوع اصلی سخن ماست، بظاهر تنها یک نسخه شناخته شده و آن نیز دستنوشته محفوظ در کتابخانه مجلس سنای سابق می باشد^۳.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آن میکروفیلمی دارد و خوانندگان ارجمند، در فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس سنای سابق) هم می توانند درباره آن مطالعه کنند.

این مصنّف کتابی دارد به نام «هدایة العوام فی عقاید الانام» که بنابر عنوانش باید کلامی باشد و بر حقییر معلوم نیست که آیا همان رسایل کلامی است که استاد دانش پژوه گفته اند یا کتاب مستقلی است؛ علت این عدم آگاهی آن است که هنوز عکس دستنوشته رسائل کلامی محفوظ در کتابخانه ملک را به دست نیاورده ام.

در «دقائق التّأویل» می خوانیم:

«رَسُول - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَدَكَ وَ عَوَالِي فَدَكَ بِفَاطِمَةَ دَاد - عَلَيْهَا السَّلَام - ، وَ سَه سَال

دِر عَهْد رَسُول - عَلَيْهِ السَّلَام - دِر تَصْرَفَ فَاطِمَةَ بُوَد . بَعْدَ اَز وَفَاة رَسُول - عَلَيْهِ السَّلَام -

اَبُو بَكْرٍ اَز فَاطِمَةَ - عَلَيْهَا السَّلَام - قَطَعَ كَرَد وَ مِيَان فَاطِمَةَ (س) وَ اَبُو بَكْرٍ مَاجِرِي بَسِيَار رَفَت

وَ فَاطِمَةَ - عَلَيْهَا السَّلَام - بَر اَبُو بَكْرٍ خَشَمَ كَرَفَت وَ اِيْن قِصَّة دِر كِتَاب بَلَابِلِ الْقَلَاقِلِ وَ

كِتَاب هِدَايَةُ الْعَوَامِ فِي عَقَائِدِ الْاِنَامِ مُسْتَوْفِي بَيَان كَرَدِه اِيْم» (ص ۷۳۳ از عكس

دستنوشته).

به هر حال جز «دقائق التأویل»، «بلاجل القلاقل»، «هدایة العوام» و «رسایل کلامی» (به شرطی که جز «هدایة العوام» باشد) نشان اثر دیگری از ابوالمکارم حسنی و اعظ دانسته نیست و شاید اصلاً اثر دیگری نداشته باشد.

«دقائق التأویل» تفسیر نامه ای فراگیر نیست و به بیانی تفسیر همه آیات قرآن کریم نمی باشد و بحث و تحقیق و روشنگری مصنف در این کتاب، مربوط می شود به برخی از آیات کلام الله مجید.

مصنف آیه یا آیات گرامی مورد بحثش را پس از عبارت «قوله تعالی» می آورد؛ آنگاه جزء جزء ترجمه می کند و توضیحاتش را درباره عبارات شریف قرآنی می آورد. برای آشنایی بیشتر با شیوه نگارش مصنف، بریده ای از بخش مربوط به سوره مبارکه یوسف [علی نبینا وآله وعلیه السلام] می آوریم:

سؤال- چي حکمتست کی این قصه را احسن القصص خواند؟

جواب- زیراکی مُشتمل است بر ذکر حاسد و محسود و مالک و مملوک و عاشق و معشوق و شاهد و مشهود و حبس و اطلاق و سجن و خلاص و فراخی نعمت و قحط و جز آن يعجز عن بیانها طوق البشر یعنی از بیان آن حالات، بشر عاجز شود. (ص ۵۳۹ از عکس دستنوشته)

مصنف به بررسی های «نحوی» و نیز «صرفی» و «لغوی» در کتاب خویش، بی رغبت نیست.

نمونه بحث لغوی او، سخنش از «اذ» و «اذا» یا بررسی اش درباره «ملائکه» و «ملک» است (هر دو: ص ۷ عکس دستنوشته).

نیز مشتاق بحث های کلامی است. باید گفت هم از گریزهای متکلمان اش در «دقائق التأویل» و هم از رسایل کلامی اش که بنا بر گفته استاد دانش پژوه در کتابخانه ملی ملک نگاهداری می شود، می توان حدس زد که به مقولات کلامی دلبستگی ویژه ای داشته است. در همین «دقائق التأویل» ذیل توضیح درباره آیه سی ام از سوره مبارکه بقره می خوانیم:

«اینجا نکته بشنو؛ رسول- صلی الله علیه وآله- در حدیث صحیح فرمودکی «احفظونی فی عترتی» یعنی مرا نگاه دارید در عترتم ... بعد از رسول محافظت اهل بیت وی^۵ نکردند پس چون خلیفه عبارتست از کسی کی امضاء امر کسی کند کی پیش از وی

بوده باشد و امضاء امر نکردند در حقّ عترت رسول-علیهم السّلم- پس امر خلافت از ایشان صحیح نبوذ» (ص ۷ و ۱۸ از عکس دستنوشته).

در ادامه همین بحث، مقداری جلوتر، می خوانیم:

«... مخالف و موافق متفق اند کی عمر خطاب حکمهاء ناحق بسیار کرد و امیرالمؤمنین-علیه السلام- تقریر آن نپسندید و آن احکام بر وی ردّ کرد و بعدل حکم فرمود تا عمر می گفت: «لولا علی لهلك عمر» پس روشن شد کی عمر شایسته خلافت نبوذ زیرا کی حکم از مخالف کتاب خدا و سنت مصطفی بوذ و...» (ص ۱۰ از عکس دستنوشته).

با توجه به چنین مباحثی، بررسی «دقائق التّأویل»، نه فقط از دیدگاه قرآن پژوهی صرف، بلکه برای مطالعات و بررسی های مربوط به تاریخ مباحثات کلامی شیعه با اهل سنت هم دارای اهمیت است.

ادب پیشگی ابوالمکارم در این دو نمونه ای که از گریزهای کلامی اش آوردیم، به هنگام ردّ نظر مخالف، حقیقتاً نگریستی و نمودار مشی و منش یک عالم متکلم مفسر شیعی در سده هفتم هجری است.

بظاهر خطبه «دقائق التّأویل» دربرگیرنده آگاهی های ارزشمندی بوده که ما را با چند و چون پی ریزی کتاب و شیوه مصنف در کارش تا حدودی قابل توجه، آشنا می ساخته است. متأسفانه بخش قابل توجهی از خطبه کتاب در تنها نسخه ای که ما از آن می شناسیم از دست رفته است؛ ظاهراً به اندازه دوسه صفحه از آغاز دستنوشته افتاده و نخستین صفحه دستنوشته نیز که دربرگیرنده بازمانده خطبه کتاب و آغاز تفسیر مربوط به سوره بقره می باشد سخت آسیب دیده است.

از مطالب صفحه یکم دستنوشته (که به دشواری و با کمک حدّس و گمان خوانده می شود) چنین درمی یابیم که پس از فراغت یافتن مصنف از تصنیف کتاب «بلابل القلاقل»، همان «عزیز» که بلابل القلاقل به خواهش وی تصنیف شده بود، (ظاهراً) از مصنف می خواهد کتابی در موضوع کتاب حاضر (یعنی: دقائق التّأویل) بنگارد. از این روی تألیف «دقائق التّأویل» نیز به اشاره و درخواست آن «عزیز» بازمی گردد.

نام «دقائق التّأویل و حقائق التّنزیل» هم (البته به دشواری) در همین صفحه

خوانده می شود.

ضمناً در حاشیه صفحه نیز یادداشتی ظاهراً از یکی از مالکان دستنوشته با خطی متأخر به چشم می آید.

خط دستنوشته موجود خواناست ولی متأسفانه آسیب دیدگی های متن زیاد است تا آنجا که کار احیای این متن را مشکل ساخته است. در دستنوشته مورد بحث، حرکات و اعراب واژه ها گاهی گذاشته شده است و توجه بدین حرکات مسلماً از لحاظ پژوهش در دگرگونی تاریخی واژگان دست کم در یک حوزه و گونه زبانی حائز اهمیت است. رسم الخط عبارات قرآنی نسخه در مواردی با رسم الخط متعارف تفاوت هایی دارد که از حیث تحقیقات تاریخی قرآنی در خور رویکرد و مطالعه است. از لحاظ رسم الخط فارسی، این نسخه با تعدادی از نسخ کهن موجود همانندبهای در خور اعتنایی دارد.

ناگفته نباید گذارد که برخی از این مختصات، احتمالاً دارای پشتوانه آوایی بوده و صرفاً املائی نیستند.

ناگفته نماند که با توجه به دشواری های که در قرائت قسمت هایی از دستنوشته هست به خصوص در مواضع آسیب دیده، رؤیت و گزارش این عناصر آسان به نظر نمی رسد. نسخه حاضر ۷۶۵ صفحه دارد. آخر دستنوشته هم افتادگی دارد اما این که چند صفحه از پایان آن افتاده است، معلوم نیست. در این اوراق پسین دستنوشته، مصنف در حال تفسیر آیاتی از سوره مبارکه «اسراء» و گزارش «قصه معراج» است که افتادگی پایانی کهنه کتاب زمام کلام را از کفش می رباید.

ناگفته پیداست که با در دست داشتن این تک نسخه که از آغاز و پایان افتادگی دارد، عرضه متن منقح کاملی از «دقائق التأویل» شدنی نیست و در صورتی هم که نسخه دیگری هر چند متأخر، از کتاب یافته شود، احیا و عرضه همین بخش های موجود بسیار دشوار خواهد بود.

سخن از دستنوشته «دقائق التأویل» را بی این اشاره نباید خاتمه بخشید که اگرچه تاریخ دقیق کتابت این نسخه معلوم نیست، ظاهراً طبق قرائن و شواهد موجود کتابتش با عصر مصنف فاصله زیادی نباید داشته باشد.

به احتمال زیاد دو تفسیر نامه موسوم به «بلابل القلاقل» و «دقائق التأویل» و

حقائق التّنزیل» در طبقات تفاسیر شیعی اثناعشری پارسی پس از تفسیر ابوالفتوح جای می‌گیرند و از این جهت اهمیت ویژه‌ای دارند.

البته هیچ‌یک از این دو تفسیرنامه، چه از جهت حوزه شمول و چه از جهت اهمیت تفسیری در مقیاس واحد، به پای تفسیر ابوالفتوح نمی‌رسند و شاید اصلاً تفسیر ابوالفتوح رازی مهم‌ترین تفسیر به زبان پارسی تا روزگار ما باشد.

هرچند «دقائق التّأویل» در علوم قرآنی و تفسیر، بی‌مانند نیست ولی در داوری منصفانه می‌توان آن را از مهم‌ترین تفسیرهای پارسی قرآن به شمار آورد.

راقم این سطور که هم‌اکنون مشغول آماده‌سازی این کتاب برای چاپ و نیز پژوهش بر بنیاد یگانه دستنوشته شناخته‌شده‌اش است، امید دارد در زمانی نه‌چندان دور متن موجود با روش علمی در سه جلد آماده انتشار گردد.

در پایان لازم است از آقای اکبر ایرانی مسئول این دفتر که تحقیق و تصحیح این اثر گرانقدر را به بنده پیشنهاد کردند و آن را در سلسله‌ی منشورات دفتر نشر میراث مکتوب قرار دادند، سپاسگزاری کنم.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. ظاهراً این دستنوشته، تنها دستنوشته «بلابل القلاقل» باشد.

۲. ر.ک: «فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی در زبان فارسی»، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

۳. در دانشگاه تهران نیز میکروفیلمی از آن موجود است.

۴. در اینجا از همه‌ی دانشورانی که آگاهی جدیدی درباره‌ی ابوالمکارم حسینی و جایگاه آثار خطی دیگر وی دارند درخواست می‌کنیم، برای تسهیل شناخت این دانشور پارسی‌نویس شیعی و احیای میراث مکتوب وی ما را با اطلاعات جدید و کارآمد یاری دهند.

۵. مطمئن نیستیم که واژه «وی» را از عکس دستنوشته درست خوانده باشیم.